



بچه‌های امروز طور دیگری هستند

○ احمد کم



- عنوان کتاب: چوجه زرد تیلی
- نویسنده: افسانه شعبان نژاد
- تصویرگر: علی ذوالفقاری
- ناشر: صدف
- توبت چاپ: اول - ۱۳۷۹
- شمارگان: ۱۰۰۰۰ جلد
- تعداد صفحات: ۱۲۷ صفحه
- بها: ۲۰۰۰ ریال

در عنوان کتاب، عبارت «از سری مجموعه (بخوان و بدان)» به چشم می‌خورد. عنوانی که از همان ابتدا هدف از نگارش کتاب را (به زعم ناشر و نویسنده) مشخص می‌کند. پس این کتاب را باید در چارچوب کتاب‌های آموزشی طبقه‌بندی کرد. حال این که تا چه حد نوانتسده هدفش را که همان تلاش برای افزایش سطح آگاهی و معلومات کودکان است، برآورده سازده، موضوعی است که جای سؤال دارد.

در این باب باید گفت نه این کودک، کودک چند دهه قبل است و نه این زمان. زمان چند دهه گذشته کودک دیزروز که هیچ دسترسی به امکانات ارتباط جمعی از قبیل رادیو، تلویزیون و حتی مجله و کتاب نداشت. در آن زمان دارای شرایط خاصی بود که با شنیدن افسانه‌های عجیب و حکایات غریبه، به راحتی ارضا می‌شد و زیاد به دنبال چیزی و یافتن علت‌ها در لابه‌های داستانی آن نبود. دلیل آن که در افسانه‌های کهن ویژه کودکان، آن همه ماجراهای غریقالی باور و خارق‌العاده وارد شده بود و ذره‌ای از علاقه کودکان به افسانه‌هایی از این دست گاشته نمی‌شد، می‌تواند همین عامل سرگرم‌کنندگی افسانه‌ها باشد و این که کودکان، در روایت یک قصه، دنبال یافتن علت‌ها نبوده‌اند.

در دهه‌های اخیر، شرایط محیط و اجتماعی فرق کرده و این تغییر شرایط بر کنش‌ها، خلق و خو و رفتارهای کودکان نیز تأثیر عمیقی گذاشته است. کودک امروزی، دیگر چندان علاقه‌ای به حکایات‌های بی‌سروته و نیز خالی از روابط علت و معلولی ندارد. او یاد گرفته است که پرسد چرا، چگونه و به چه دلیل؟ بدون تردید، شرایط کودکی که به انواع وسایل و ابزارهای صوتی و تصویری از قبیل تلویزیون، کامپیوتر، اینترنت... دسترسی دارد، با شرایط کودک دیزروز فرق می‌کند. کودکان دیزروز، نیاز خاص خودشان را داشتند و کودکان امروز نیز نیازهای ویژه خود را می‌طلبند و این نیازها نیز راکهارهای ویژه خود را ایجاد می‌کند که نویسندگان کودک باید در آثار خود به آن توجه کنند. بی‌توجهی به نوع نیازهای کودکان، باعث گریزانی آنها از آثار مختص خودشان خواهد شد. تقلید از کلیشه همیشگی

در کتاب «چوجه زرد تیلی» ما باز هم با همان

حکایت کهنه گم شدن چوجه و تلاش وی برای پیدا کردن مادرش روبه‌رو هستیم. امری که انکار قرار است تا باید ادامه داشته باشد و هر نویسنده خود را ملزم می‌بیند تا چوجه‌ای را از مادرش جدا کند و بعد هم او را به مادرش برساند. تا به حال آن قدر درباره گم شدن بچه و تلاش برای پیدا کردن مادر، در کتاب‌های کودکان خوانده‌ایم که این امر برایمان عادی شده است. حتی کارتون‌های کودکان نیز سرشار از این موضوع بسیار کلیشه‌ای است که صد البته تنها در جهت فروش بیشتر نوشته و ساخته شده‌اند. «هاج زنبور عسل»، «لی و سیاستین»، «ای کیوسان» و شاید ده‌ها فیلم کارتون دیگر که در همگی آنان شخصیت‌های داستانی، پدر یا مادرشان را گم کرده‌اند. مثال‌هایی از این دست هستند. به راستی آیا در باب کودکان موضوع دیگری برای پرداختن پیدا نمی‌شد که نویسنده، کلیشه‌ای‌ترین و سردستی‌ترین موضوع را انتخاب کرده و نوشته است؟ «چوجه زرد تیلی» عبتاً کپی فارسی کتاب «چوجه ما گم شده بود پیدا شده»، اثر «کیت گرین» است که توسط اسدالله شعماتی، ترجمه شده و نشر ترق در سال ۷۹ آن را به چاپ رسانده است. در آن کتاب، چوجه‌ای زردرنگه قوری دیزروز را برادرها و خواهرهای خود به دنیا می‌آید و طبق معمول داستان‌هایی از این دست، دنبال مادرش می‌گردد. از اسبه گاو، بولفمون، بز غاژ، میش، اردک و خوک سراغ مادرش را می‌گیرد و در پایان، به مادرش می‌رسد. در کتاب «چوجه زرد تیلی» هم چوجه‌ای دیزروز از معمول (!) به دنیا می‌آید. از گاو و بز و اسب و کره و مرغ و خروس سراغ مادرش را می‌گیرد و در آخر هم به مادرش (اردک) می‌رسد.

واقع گرای در ادبیات کودکان

همان طور که گفته شد در ابتدای کتاب عبارت «از سری مجموعه (بخوان و بدان)» قید شده که برای کتاب، بعد آموزشی قائل است. ولی این که یک نخم کوچیک! (در جایی افاده باشد و بعد هم ترق ترق صدا کند و یک چوجه زرد تیلی از آن بیرون بیاید. نه تنها برای بزرگسالان، بلکه برای کودکان نیز امری ناپذیرفتنی است و حتی خردسالان نیز می‌دانند که مرغ یا هر جانور نمکخوار دیگری برای خود نمی‌خواهد تا چوجه‌ای از تخم به وجود بیاید!



شعر یا نظم؟

در طی سالیان متمادی، تعاریف مختلفی از شعر ارائه شده است، اما همه این تعاریف، با وجود گوناگونی، وجوه مشترکی نیز دارند. به عنوان مثال، ارسطو می گوید: «شعر سخنی است موزون و خیال‌انگیز که شوری در دل برانگیزد.» اما آیا تنها وجود عنصر وزن، قافیه و تخیل برای سرودن شعر کافی است؟ آیا این تعریف، تعریف جامع و مانعی برای شعر محسوب می‌شود؟ باید گفت این عوامل (وزن و قافیه و تخیل) ارکان اصلی و صدماته صوری شعر را تشکیل می‌دهند و علاوه بر آن باید احساسی، تفکر، لحن کلمات و نیز عامل شوق برانگیزی را از آنچه پنهان و اصلی‌تر شعر نامید. در غیر اینصورت، شعر با نظم هیچ تفاوتی نخواهد داشت.

شعر یا نظم موزونی را که در کتاب «چوچه زرد تیلی» آمده می‌توان جزو شعر محسوب کرد؟

چی هستی و کی هستی

مادر من تو هستی؟!

عبارات بالا نه تنها شعر نیست، بلکه نمی‌توان آن را حتی نظم به حساب آورد، چرا که اولین شرط نظم، رعایت وزن و قافیه است که عبارت فوق، خالی از آن عناصر است. همین طور آوردن جمله «چی هستی» در بیت بالا غلط است؛ چرا که لفظ «چی

هستی» معمولاً برای اشیا و غیرجانداران به کار

می‌رود.

به طور کلی، عبارات نظم گونه کتاب، خالی از هر نوع تصویرپردازی ذهنی (magic)، ایهام، صور خیال و پیام برای مخاطبان کودک خود است.

«چوچه تیلی، نوکت گلی

تو کجا و من کجا

من مادر تو نیستم...»

این عبارت نیز همانند عبارات دیگر خالی از هر نوع محتوای فکری - آموزشی برای کودکان است و تنها برای خالی نبودن عرضه آورده شده است.

زبان کودکانانه

زبان کودکانانه، مهم‌ترین شرط ورود به دنیای کودکان است. کودک براساس زبان خاص خود، با حیطه ادبیات آشنا می‌شود و در مرحله گذار از دوران کودکی به دوران نوجوانی، باید تفسیر زبان (Language Transformation) از کودکی به بزرگسالی و نوجوانی را جدی‌تر گرفت.

علاوه بر این، نویسنده باید زمینه ورود مخاطب به وادی ادبیات نوجوانان و بزرگسالان را نیز آماده کند. حال نگاهی به این جملات بیندازید: «چوچه تیلی آهی کشید و با غصه گفت شما مادر من نیستید. باید بروم مادرم را پیدا کنم. بعد هم راه افتاد گفت تا

یک جای پا پیدا کرد. دنبال آن رفت تا به صاحب جای پا رسید. جلو دوید، صاحب جای پا یک گربه بود...»

این جملات، بسیار رسمی نوشته شده و از روانی و ملاحت نثر کودکانانه در آن خبری نیست. همچنین، الفاظ و عبارات نامعاریفی نیز در آن آورده شده است از قبیل «آهی کشید و با غصه گفت» یا عبارت «صاحب جای پا» که برای کتاب‌های کودکان، قلیل به نظر می‌رسد.

علاوه بر این، نام حیوانات، به صورت تحت‌اللفظی آمده (اسبه، گاو، بز، مرغ، خروسه و...) که این امر باعث بروز مشکل در یادگیری املا می‌گردد و صحیح این کلمات در نزد کودکان می‌گردد.

در پایان، باید گفت کتاب با توجه به رسالت اصلی‌اش (آموزش به کودکان) موفق عمل نکرده است. نویسنده باید در نوشتن کتاب، مهم‌ترین اصل را بر درک دانش، هوش و استعداد کودکان بگذارد و در جهت افزایش آن بکوشد.

